

مقایسه هوش عاطفی و اجتماعی در زنان قربانی خشونت خانگی و زنان بهنجار

علی خالق خواه* - رقیه زارع** - حسین قمری گیوی*** - بهزاد ولیزاده****

* دکترای فلسفه آموزشی، استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
** دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توان‌بخشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
*** دکترای روانشناسی مشاوره، دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
**** دکترای تخصصی پزشکی قانونی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شناسایی عوامل تأثیرگذار بر خشونت‌های خانوادگی با توجه به تبعات بسیار سوء این قبیل خشونت‌ها، می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع آن‌ها بازی کند. با توجه به شیوع قابل توجه خشونت علیه زنان در خشونت‌های خانوادگی، این پژوهش با هدف مقایسه هوش عاطفی و اجتماعی زنان قربانی خشونت خانگی و بهنجار، انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای از نوع مقطعی - توصیفی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش ۳۰ نفر از زنان اردبیلی بودند که طی سال ۱۳۹۲ به دلیل اعمال خشونت علیه آن‌ها به عنوان شاکی به پزشکی قانونی، دادگستری و نیروی انتظامی استان اردبیل مراجعه کرده بودند. برای گروه کنترل نیز از طریق مصاحبه ۳۰ نفر از زنان بدون مشکلات روان‌شناختی و فاقد سابقه خشونت خانوادگی پس از همسان سازی موقعیت‌های شغلی، فرهنگی و ... به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مقیاس هوش اجتماعی ترومسو برای سنجش هوش اجتماعی و مقیاس هوش عاطفی پترایدز- فارنهام برای سنجش هوش عاطفی در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج یافته‌ها نشان داد که بین زنان قربانی خشونت خانگی از نظر هوش عاطفی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، ولی از نظر هوش اجتماعی هیچ‌گونه تفاوتی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که نه تنها بالا بودن هوش عاطفی و اجتماعی از بروز خشونت جلوگیری می‌کند، بلکه بالا بودن آن‌ها نیز موجب رفتارهای درست در زمان بروز خشونت می‌شود. به نظر می‌رسد آموزش اصول صحیح رفتاری و تقویت هوش اجتماعی و عاطفی می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای در بروز خشونت علیه زنان داشته باشد.

واژگان کلیدی: هوش عاطفی، هوش اجتماعی، زنان، خشونت خانگی

تأیید مقاله: ۹۳/۹/۲۶

وصول مقاله: ۹۳/۳/۱۱

نویسنده پاسخگو: دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توان‌بخشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

شماره تماس: ۰۴۵۱-۵۵۱۶۶۸۶

roghayezare@ymail.com

مقدمه

علیه کودک، مرد، زن و افراد مسن. اما یکی از انواع متداول خشونت خانگی، خشونت بین همسران به ویژه خشونت علیه زنان می‌باشد. خشونت همسر شامل: حمله فیزیکی، سوء استفاده روان‌شناختی و ارباب است (۱). آمار سازمان جهانی بهداشت بیانگر آن است که ۱۶ تا ۲۵٪ زنان توسط شریک زندگی خود مورد خشونت واقع می‌شوند و ۲۸٪ زنان در کشورهای توسعه‌یافته و ۱۸ تا ۶۷٪ زنان کشورهای در حال توسعه حداقل یک‌بار آزار بدنی را گزارش کرده‌اند (۲). در

رواج زیاد خشونت^۱ و رشد شواهد پیامدهای سوءاستفاده روانی، جسمی، یک خطر اجتماعی، پزشکی و بهداشتی - روانی جدی ایجاد می‌کند. خشونت پدیده‌ای است بسیار پیچیده که می‌تواند در زمینه خانواده اشکال مختلفی را به خود گیرد از قبیل خشونت

1. violence

جنسیتی در رفتار خشونت‌آمیز می‌تواند به‌وسیله تفاوت‌های افراد در نوع ابراز خشم و قواعد عاطفی شرح داده شود (۱۲). افرادی که از لحاظ پردازش هیجانی از سبک‌های شناختی ضعیف‌تری مانند نشخوارگری، فاجعه‌انگاری و ملامت خویش استفاده می‌کنند، نسبت به سایر افراد، بیشتر در برابر مشکلات هیجانی آسیب‌پذیر می‌باشند (۱۳). در یک موقعیت خشونت خانوادگی اگر افراد به وسیله همسرانشان عصبانی شوند بیشتر احتمال دارد که با خودآگاهی به‌وسیله عواطفشان عمل کنند (۱۴). افراد با بیان عاطفی پایین، بسیار بیشتر از افراد معمولی از خدمات پزشکی استفاده می‌کنند، زیرا کسانی که دارای هوش عاطفی پایین هستند، تنش‌های خود را به‌صورت نشانه‌های جسمی نشان می‌دهند (۱۵). گلمن هوش عاطفی را خواهر هم‌تراز هوش اجتماعی معرفی می‌نماید. او معتقد است که هوش بین‌فردی یا هوش اجتماعی یعنی مهارت عاطفی که برای حفظ ارتباط‌های نزدیک در دوستی‌ها، ازدواج یا ارتباط شغلی، اساسی است. این مهارت‌ها در کودکی جوانه می‌زند و در طول زندگی شکوفا می‌شود (۱۶). افراد در موقعیت‌های اجتماعی یکسان عمل نمی‌کنند. انتخاب بین این که افراد در موقعیت‌های متفاوت پرخاشگری را انتخاب کنند، یا آرام بودن را بستگی به هوش اجتماعی آن‌ها دارد. هوش اجتماعی بیانگر این است که افراد تا چه حد از قابلیت‌های مهارت‌های اجتماعی، پردازش اطلاعات اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مطلوبیت اجتماعی برخوردارند. از این رو هوش اجتماعی چهار مؤلفه دارد که عبارت‌اند از مهارت‌های اجتماعی، پردازش اطلاعات اجتماعی، آگاهی اجتماعی و مطلوبیت اجتماعی می‌باشد (۱۷). انتخاب نوع رفتار در موقعیت‌های متفاوت به هوش اجتماعی افراد بستگی دارد (۱۸). تفاوت‌های هوش عاطفی و هیجانی در زنان عادی و در زنان قربانی خشونت و این که زنان در موقعیت‌های تنش‌زای زندگی چگونه عمل می‌کنند و چگونه از مهارت‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند و چگونه در برخورد با مشکلات و دیگران خصوصاً همسرانشان اطلاعات محیطی را پردازش می‌کنند به نحوی که گاهی سبب بروز خشونت همسر علیه خودشان می‌شوند و گاهی با پردازش صحیح اطلاعات از بروز آن جلوگیری می‌نمایند، سوالی است که محقق سعی دارد در این تحقیق به آن‌ها پاسخ دهد.

روش بررسی

روش تحقیق پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن که مقایسه هوش عاطفی و اجتماعی در زنان قربانی خشونت خانگی و زنان بهنجار است، علی-مقایسه‌ای از نوع مقطعی-توصیفی می‌باشد. در این نوع تحقیق هدف مطالعه احتمال یا امکان روابط علت و معلولی بین متغیرها با استفاده از مشاهده نتایج حاصله و بررسی دقیق داده‌ها برای یافتن متغیرهای علی درست و منطقی است (۱۹). جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، زنانی هستند که طی سال ۱۳۹۲ در استان اردبیل در معرض خشونت همسر قرار گرفته‌اند و به نیروی انتظامی، دادگستری و

سراسر جهان حداقل از هر سه زن یک نفر مورد ضرب و شتم همسر قرار می‌گیرد (۳). تحقیقات صورت گرفته در ایران نشان می‌دهد که دو عامل مهم تأثیرگذار بر خشونت خانگی سطح تحصیلات و اعتیاد در خانواده می‌باشد (۴،۵). همچنین متغیرهای جمعیت شناختی بارداری، سن، تحصیلات پایین، تعداد بالای فرزند، اعتیاد، بیکاری همسر و ابتلا به مشکلات روان‌پزشکی به عنوان متغیر پیش بین در تجربه انواع بدرفتاری‌ها مطرح هستند. به علاوه بارداری، تحصیلات و سن پایین و بیکاری زن و نیز تعداد بالای فرزندان پیش بینی کننده این هستند که فرد انواع بدرفتاری‌ها را در حد شدیدی تجربه می‌کند (۶). براساس تحقیقات انجام گرفته از جمله علل فردی خشونت خانگی در جنبه‌های زیستی (مانند هورمون‌های مردانه و توان بدنی بالاتر مردان) و روان‌شناختی (مانند تندخویی، دم‌دمی مزاجی، حالت انفعالی مردان همسرآزار، ناکامی، ضعف اخلاقی و اعتیاد) و علل تعامل میان فردی در جنبه‌هایی مانند جنسیت، اقتدارگرایی مردانه در خانواده، یادگیری اجتماعی و مشکلات ارتباطی (مانند اسناد منفی، تعارض و بزهکاری) و علل اجتماعی و جنبه‌های اقتصادی (مانند بیکاری، مشاغل کارگری و درآمد کم) و علل فرهنگی (مانند پذیرش اجتماعی خشونت، پیش داوری نسبت به زنان) سهم قابل توجهی در بروز خشونت خانگی دارند (۷). خشونت پیامدهای نامطلوب بلندمدت برای بازماندگان آن به جا می‌گذارد که حتی پس از اتمام دوره خشونت نیز ادامه می‌یابد: وضعیت نامطلوب سلامت، کیفیت پایین زندگی و استفاده بیشتر از خدمات بهداشتی-مراقبتی از عوارض خشونت می‌باشد. خشونت علاوه بر آسیب مستقیم ناشی از ضربه‌های جسمی به بهداشت روان و اعتماد به نفس زنان نیز لطمه می‌زند. علاوه بر این سلامت جسمی-روانی و قدرت سازگاری آنان را کاهش می‌دهد، روابط خانوادگی و اجتماعی آنان را از حال عادی خارج می‌نماید و گستره بسیار وسیعی از هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی را باعث می‌شود (۸). قربانیان خشونت توسط همسر فشار روانی بیشتری را نسبت به کسانی که مورد خشونت واقع نمی‌شوند تحمل می‌کنند. مشکلات بهداشتی، روانی وابستگی زیاد با خشونت دارد که شامل افسردگی، ترس، اضطراب، عزت نفس پایین، خودکشی، تروما و سوء مصرف مواد است (۱،۳). قرار گرفتن زنان در چرخه خشونت موجب احساس درماندگی در آن‌ها شده، توانایی تصمیم‌گیری را در آن‌ها کاهش می‌دهد و باعث ترس در آنها می‌شود (۹). گاهی افراد از بروز عواطف منفی همچون خشم جلوگیری کرده و حتی خود را شاد نشان می‌دهند. این عامل نشان دهنده‌ی هوش عاطفی ۲ آن‌هاست (۱۰). هوش عاطفی به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی عمده در قلمرو پردازش اطلاعات هیجانی ۳ تعریف شده است. براساس این رویکرد شناخت و عواطف در تعامل با یکدیگر و هوش عاطفی به منزله‌ی نوعی استدلال انتزاعی درباره عواطف و احساسات است. هوش عاطفی می‌تواند افراد را در برابر رفتارهای انحرافی یا خشونت‌آمیز محافظت کند (۱۱). تفاوت‌های

2. emotional intelligence

3. emotional information processing

مورد بررسی قرار گرفت. ضریب اعتبار همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ و با استفاده از مشخصه‌های آماری سوال برآورد شد. ضریب اعتبار بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته محاسبه شد. طبق نتایج آزمون ضریب همسانی درونی ۰/۷۶ و ضریب بازآزمایی ۰/۷۱ تعیین شد و همگونی، اعتمادپذیری، تکرارپذیری مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. پایایی مقیاس در این آزمون ۰/۷۰ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۱۶ تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها

دامنه سنی شرکت کنندگان در این مطالعه بین ۵۸-۱۴ سال بود. بین میانگین سنی دو گروه زنان قربانی خشونت خانگی ($M=27/83$) و افراد عادی ($M=27/60$) تفاوت معنی‌دار وجود نداشت ($P=0/04$). از هر گروه از زنان قربانی خشونت و عادی ۶ نفر (۱۰٪) بی‌سواد، ۴ نفر (۶/۷٪) ابتدایی، ۷ نفر (۱۱/۷٪) راهنمایی، ۲۴ نفر (۴۰٪) دیپلم، ۲ نفر (۳/۳٪) فوق دیپلم و ۷ نفر (۲۸/۳٪) لیسانس داشتند. از بین کل آزمودنی‌ها ۴۶ نفر (۷۶/۷٪) خانه دار و ۱۱ نفر (۱۸/۳٪) کارمند و ۳ نفر (۵٪) کارگر بودند. ۵۴ نفر (۹۰٪) از بین کل آزمودنی‌ها ساکن شهر و ۶ نفر (۱۰٪) ساکن مناطق روستایی بودند. از بین کل گروه ۱۶ نفر (۲۶/۷٪) جزو قشر کم درآمد، ۳۲ نفر (۵۳/۳٪) درآمد متوسط و ۱۲ نفر (۲۰٪) دارای درآمد بالای یک میلیون تومان بودند. میانگین مدت ازدواج گروه قربانی خشونت خانگی برابر ($M=2/23$) سال و گروه عادی برابر ($M=2/86$) سال بود. میانگین تعداد فرزندان گروه قربانی خشونت خانگی ($M=2/50$) و گروه عادی برابر ($M=2/38$) بود.

جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد نمرات دو گروه زنان قربانی خشونت و بهنجار را در هوش عاطفی و اجتماعی نشان می‌دهد.

جدول ۲، نتایج آزمون لون را نشان می‌دهد. جهت بررسی فرض برابری واریانس‌های هوش عاطفی و هوش اجتماعی در گروه‌های مورد مطالعه از آزمون لون استفاده شد. نتایج آزمون لون نشان می‌دهد که واریانس‌های هوش عاطفی و هوش اجتماعی در دو گروه با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارند.

جدول ۳ نشان می‌دهد که بین دو گروه زنان قربانی خشونت و بهنجار در هوش عاطفی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، اما در هوش اجتماعی هیچگونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. با توجه به جدول ۳ با

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات گروه‌ها در هوش اجتماعی و هوش عاطفی

متغیرها	گروه عادی		گروه قربانی خشونت	
	SD	M	SD	M
هوش عاطفی	۹۴/۱۳	۱۰۹/۹۰	۲۰/۲۶	۲۰/۰۰
هوش اجتماعی	۹۵/۲۶	۱۰۹/۹۳	۱۰/۹۸	۱۰/۳۵

اداره کل پزشکی قانونی استان اردبیل مراجعه نموده‌اند. گروه کنترل یا زنان بهنجار با توجه به انجام مصاحبه که توسط پژوهشگر انجام شد، زنانی بودند که از نظر روان‌شناختی سالم بوده، سابقه هیچ گونه بیماری روان‌شناختی و یا تجربه خشونت خانوادگی را ذکر نمی‌کردند. در کل جلسات مصاحبه به آزمودنی‌ها این اطمینان داده شد که تمام اطلاعات آنها به صورت محرمانه بوده و به صورت کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع در دسترس می‌باشد. نمونه‌ها از بین کسانی انتخاب شدند که مایل به همکاری بودند. نمونه مورد استفاده ۳۰ نفر از زنانی بوده‌اند که مورد خشونت همسر قرار گرفته و به دادگاه خانواده، پزشکی قانونی و نیروی انتظامی استان مراجعه نموده‌اند و گروه کنترل ۳۰ نفر از زنانی انتخاب شدند که از نظر فرهنگی، تحصیلات، اشتغال به کار، سن و محل سکونت با گروه زنان آسیب دیده از خشونت، همسان بودند. در این پژوهش برای سنجش هوش اجتماعی از مقیاس هوش اجتماعی ترومسو استفاده شد. این مقیاس توسط سیلورا، مارتین یوسن و داهل ۴ (۲۰) ساخته شده است. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی است که شامل ۲۱ سؤال است و از سه خرده مقیاس پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی تشکیل شده است. ضرایب پایایی آلفا برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ گزارش شده است. رضایی (۲۱) پایایی آزمون را روی دانشجویان دانشگاه تبریز به دست آورده است. ضرایب پایایی آلفا برای کل مقیاس برابر ۰/۷۵ و برای خرده مقیاس‌های پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت اجتماعی و آگاهی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۵۶ گزارش شده است. هم‌چنین ضرایب بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ گزارش شده است. پایایی مقیاس در این آزمون ۰/۷۹ به دست آمده است. هم‌چنین برای سنجش هوش عاطفی از مقیاس هوش عاطفی پترایدز- فارنهام ۵ (۲۲) استفاده شد. پرسش‌نامه هوش هیجانی پترایدز- فارنهام یک مقیاس خودسنجی است که توسط پترایدز و فارنهام در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است. بنا به گزارش پترایدز- فارنهام (۲۲) این پرسش‌نامه می‌تواند افراد دارای هوش هیجانی بالا و پایین را به خوبی متمایز کند. روایی سازه آن نیز توسط سازندگان ابزار بررسی شده و تک عاملی بودن آن با روش تحلیل عامل اکتشافی مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ در نمونه اولیه با ۱۰۲ نفر برابر با ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش‌ها مؤلفان به یک ساختار عاملی سلسله مراتبی (مرتب دوم) با یک عامل هوش هیجانی سطح اول و چهار عامل سطح دوم (خوش‌بینی، تنظیم و ارزیابی هیجان‌ها و عواطف، بهره‌برداری از هیجان‌ها و مهارت‌های اجتماعی) دست یافته‌اند. ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۹ گزارش شده است. در ایران پایایی و روایی آزمون توسط احمدی ازغندی و همکاران

4. Silvera, Martinussen, Dahl

5. petraides, Furenham

مرفه و تحصیل کرده و برخوردار از منزلت اجتماعی بالا به دلیل آمادگی کامل نسبت به حقوق خود کمتر در برابر خشونت خاموش می‌مانند و به انواع واکنش‌ها و از جمله تهدید و یا اقدام به طلاق متوسل می‌شوند. زنان گروه مورد بررسی در این پژوهش اکثراً در تلاش برای جداسازی و احقاق حقوق شرعی خود بودند. از جمله پیش بینی کننده‌های قوی در بروز خشونت‌های خانگی علیه زنان تحصیلات پایین و سن پایین و بیکاری زن یاد شده است (۴، ۵، ۶، ۲۹، ۳۰) که در این پژوهش تقریباً بیش از ۷۰٪ از آزمودنی‌ها تحصیلات بالای دیپلم را داشته و میانگین سنی در هر دو گروه ۲۷ سال بوده که این امر نشان می‌دهد زنان گروه قربانی خشونت خانگی با توجه به تحصیلات و سن در برابر خشونت همسر از مراجع قانونی استفاده نموده و مشکل خود را از این طریق پیگیری می‌کردند. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر این که هوش اجتماعی در بروز خشونت علیه زنان تأثیر دارد با یافته‌های محمدیان (۳۱) و Gidycz و Orchowski (۳۲) و Bjorkqvist و Osterman (۱۸) مطابقت می‌کند. طبق نظریه Goleman (۱۶) کسانی که از هوش اجتماعی بالاتری برخوردارند بهتر هیجان‌ها و احساسات خود را کنترل کرده و از بروز خشونت جلوگیری می‌نمایند. گودرزی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که افرادی که از هوش اجتماعی بالایی برخوردارند باید بتوانند از تمام قدرت مغزی و جسمانی خود استفاده کنند تا بتوانند با بقیه ارتباط موثری برقرار کنند. هوش اجتماعی باید بتواند هنرکنار آمدن را در اوج درگیری‌ها و اشتباهات دریابد (۲۱). این که زنان قربانی خشونت با گروه بهنجار از نظر هوش اجتماعی فرق ندارند، شاید به این دلیل است که زنان قربانی خشونت مانند گروه عادی از هوش متناسبی برخوردار هستند و این امر سبب شده است تا آن‌ها بعد از یک دوره کوتاه مدت که از زندگی مشترکشان می‌گذرد، به این نتیجه برسند که ادامه این زندگی چیزی جز ضرر و زیان برای آن‌ها نداشته و آینده خوبی را برای خود متصور نمی‌شوند. البته این امکان وجود دارد که زنانی که از هوش اجتماعی بالایی برخوردار هستند، توان مقابله با مشکلات را پیدا کرده و به دنبال راه‌حل‌های گوناگون برای عبور از این مشکلات باشند، که یکی از راه‌حل‌های ممکن می‌تواند مراجعه به مراکز قانونی و تقاضای بررسی وضعیت زندگی آن‌ها باشد. ممکن است بهترین راه برای حل مشکل نباشد، اما قطعاً یکی از راه‌حل‌های ممکن است. گروه زنان قربانی خشونت در این پژوهش اکثراً افراد تحصیل کرده و با روابط اجتماعی بالا بودند که در طی مراحل اجرای پرسش‌نامه با کمال میل همکاری نموده و به تمام سؤالات پژوهش با دقت جواب می‌دادند. اکثر آن‌ها با استدلال‌های

جدول ۲: نتایج آزمون لون جهت بررسی پیش فرض برابری واریانس‌های هوش اجتماعی و هوش عاطفی در گروه‌ها

متغیرها	F	df1	df2	سطح معنی داری
هوش عاطفی	۰/۴۱۴	۱	۵۸	۰/۵۲۳
هوش اجتماعی	۱/۱۵۹	۱	۵۸	۰/۲۸۶

استفاده از آلفای میزان شده بن فرونی (۰/۱۷) زنان قربانی خشونت نسبت به زنان بهنجار در هوش عاطفی $F=9/19$ و $df=1$ و $p=0/04$ تفاوت آماری معنی داری داشته، اما در هوش اجتماعی $F=3/74$ و $df=1$ و $p=0/058$ تفاوت آماری معنی داری با هم ندارد. این عامل نشان دهنده آن است که زنان قربانی خشونت خانگی از نظر هوش عاطفی با گروه زنان بهنجار فرق داشته، اما از نظر هوش اجتماعی هیچ‌گونه تفاوتی ندارند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه هوش اجتماعی و عاطفی زنان قربانی خشونت خانگی و زنان بهنجار بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین زنان قربانی خشونت خانگی و زنان بهنجار از نظر هوش عاطفی تفاوت آماری معناداری وجود داشته و هوش عاطفی گروه زنان قربانی خشونت نسبت به گروه عادی بیشتر بوده، اما از نظر هوش اجتماعی با یکدیگر تفاوتی ندارند. نتایج پژوهش حاضر تأییدی بر یافته‌های Gower و همکاران (۲۳) مبنی بر تأثیر هوش عاطفی و اجتماعی در کاهش ارتکاب به خشونت و مطالعه Louvain (۲۴)، Castillo (۲۵)، Leyman و De Readt (۲۶)، McCloskey، Noblett، Cocco (۲۷)، نیمانی (۱۳)، بهرامی و جوکار (۱۵) و Graham و Flynn (۲۸) مبنی بر این که هوش عاطفی در نوع برخورد افراد در برابر خشونت تأثیر دارد می‌باشد. بر اساس اصل کنش‌ها و واکنش‌ها وقتی عملی بدون واکنش تحریک و تشویق رخ دهد بعد از گذشت مدتی یا به مرحله سرکوبی می‌رسد و از بین می‌رود و یا در همان مرحله و بدون گرایش به تغییر باقی می‌ماند. مثلاً وقتی زنی از طبقات پایین در جمع مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرد در صورت مقابله به مثل، با واکنش شدیدتر همسر خود که همانا خشونت فیزیکی است مواجه می‌شود، در غیر این صورت نوع اعمال خشونت به همان تحقیر خاتمه می‌یابد، اما زنان طبقات

جدول ۳: نتایج جدول تحلیل واریانس چندمتغیره در گروه‌های مورد مطالعه در هوش اجتماعی و هوش عاطفی

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری	ضریب اتا
هوش عاطفی	۳۷۲۸	۱	۳۷۲۸	۹/۱۹	۰/۰۰۴	۰/۱۳۷
هوش اجتماعی	۴۲۶/۶۶	۱	۴۲۶/۶۶	۳/۷۴	۰/۰۵۸	۰/۰۶۱

محدود می سازد.

تقدیر و تشکر

از مسئولین محترم سازمان پزشکی قانونی و دادگستری و نیروی انتظامی کل استان اردبیل و کلیه افرادی که امکان اجرای این پژوهش را فراهم کردند، قدردانی می نمایم.

درست از خود و رفتار خود دفاع می کردند. این افراد در سایر مکان‌ها به عنوان کارمند اکثراً روابط سالمی با دیگران داشته و به عنوان یک کارمند در پست‌هایی قرار داشتند که نیاز به هوش اجتماعی بالا داشت. اگر این افراد هوش اجتماعی خوبی نداشتند، قطعاً در پست‌های اداری خود دچار مشکل شده و قادر به ادامه کار نبودند از محدودیت‌های این پژوهش، شمار کم آزمودنی‌ها بود که تعمیم یافته‌های پژوهش را

References

- Holmes D W, Alpers G, Ismailji T, Classen C, Wales T, Cheasty V, Miller A, Koopman Ch. Cognitive and Emotional processing in Narratives of Women Abused by Intimate partners. Violence against Women . 2007; 13(11):1192-1205.
- Amoakohene M L. Violence against women in Ghana: a look at women's perceptions and review of policy and social responses. Social science & Medicine. 2004; 59: 2373-2385.
- Akyuz A, yavan T, sahiner G, kilic A. Domestic violence and women's reproductive health; a review of the literature. Aggression and violent behavior. 2012;17: 514-518.
- Derakhshanpour F, Mahboobi HR , Keshavarzi S. Prevalence of domestic violence against women. Journal of Gorgan University of Medical Sciences. 2014;16(1):126-140. [Persian].
- Baheri B, Zyaiee M, Mohammadi SH. Frequency of domestic violence in women with complications of pregnancy. Journal of Hamadan University of Medical Sciences. 2012; 20(1): 31-39. [Persian].
- Atef Vahid MK, Ghahari SH, Zareidoost E, Bolhari j, Karimi-Kismi E. The Role of Demographic and Psychological Variables in Predicting Violence in Victims of Spouse Abuse in Tehran. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2011;16(4):403- 411. [Persian].
- Salarifar M R Explaining the causes and context of domestic violence. Biquaterly journal of studies in islam & psychology. 2009;3(4):7-41. [Persian].
- Taherkhani S, Mirmohammadali M, kazemnajad A, arbabi M, amelvalizade M. Prevalence of domestic violence against women and its relationship with the couple's profile. Journal of Forensic Medicine. 2009;15(2): 123-129. [Persian].
- bowen E. An overview of partner violence risk assessment and the potential role of female victim risk appraisals. Aggression and violent behavior. 2011;16: 214-226.
- Szczgiel D, Buczny J, Bazinska R. Emotion regulation and emotional information processing : The moderating effect of emotional wareness. Personality and individual differences. 2012; 52: 433-437.
- Yosefi F, safari H. Examine the relationship between emotional intelligence quality of life of its dimensions. Psychological Studies, Faculty of Education and Psychology, Tehran University. 2009; 4(5): 7-12. [Persian].
- Calvete E, Orue I. The role of emotion regulation in the predictive association between social information processing and aggressive behavior in adolescents. International Journal of Behavioral Development. 2012; 36(5): 338-347.
- Narimani M. Effects on emotional processing, impulse control, impulsiveness, and distractibility math disorder. Journal of Learning Disabilities. 2012; 2(2): 101-122. [Persian].
- M Hastings, B. Social information processing and the verbal and physical abuse of women. journal of interpersonal violence. 2000;15(6): 651-664.
- Bahrami F, joker M, GHaderpor R. Investigate the relationship between emotional intelligence and general health of female managers in Isfahan. Psychological, Social Studies Women. 2009; 1(7): 55-68. [Persian].
- Goleman D. Working whit emotional intelligence, New York, Bantam Books. 1998.
- Aristu A L, Tello FPH, Ortiz MA, Gandarn M . The structure of Bryants Empathy index for children: Acroo- Validation study. Journal of psychology. 2008;11(2):670-677.
- Bjorkqvist k, Osterman K. Social Intelligence-Empathy= Aggression. Aggression and violent Behavior. 2000; 5(2): 191-200.

- 19-Delavar A. Theoretical and practical aspects of human and social sciences. Sixth edition. Tehran. Emissions growth. 2002; [Persian].
- 20-Silvera DH, Martinussen M, Dahl TI. The Tromsø Social , intelligence scale, a self- report measure of social intelligence Scandinavian . Journal of psychology. 2001; 42(5): 313-319.
- 21-Rezaee A, Khalilzade A. The relationship between social intelligence and job satisfaction of school principals. Journal of Educational Sciences. 2009; 7(2):121-145.[Persian].
- 22-Ahmadi azghandi A, ferasat memar F, taghavi H, abolhasani A. The validity and reliability of petraydes and Furenhams trait emotional intelligence questionnaire. Journal of Iranian Psychologists.2006; 3(10):168-175.[Persian].
- 23-Gower A, SHolfer R, Polan J,Mcree A, Mcmorris B, Pettingell, Sieving R. Brief report : Associations between adolescent girls social – emotional intelligence and perpetration. Journal of adolescence. 2014; 37(1): 67-71.
- 24- Louvain M. The impact of emotional intelligence on physical health. Personality and individual difference. 2014; 60(5): 22-36.
- 25-Castillo R, SalgueroJ, Berrocal P .Effects of an emotional intelligence intervention on aggression and empathy among adolescent. Journal of adolescent. 2013; 36(5): 883-892.
- 26-Coccaro E f, Noblett K l, Mccloskey M. Attribution and emotional responses to socially ambiguous cues: validation of a new assessment of social/emotional information processing in healthy adults and impulsive aggressive patients. Journal of psychiatric research. 2009; 43: 915-925.
- 27-De Readt R, Leyman L, Beaken Ch, Vanschuerbeek p, Luypaert, Vanderhasselt M-A, Dannlowski, U. Neurocognitive effects of HF-rTMS over the dorsolateral prefrontal cortex on the attentional processing of emotional information in healthy women: An event-related fMRI study. Biological psychology. 2010; 85: 487-495.
- 28-Flynn A, Graham K. Why did it happen? A review and conceptual framework for research on perpetrotors and victim explanations for intimate partner violence. Aggression and violent behavior. 2010; 15: 239-251.
- 29- Saberian M, Atash nafas E, Behnam B. Prevalence of domestic violence in women Attending health centers in Semnan city. Journal of Semnan University of Medical Sciences 2004; 6(2): 115-126.[Persian].
- 30- Bagherzade R, Keshavarz T, Sharif F, Dehbashi S, Tabatabaee H R, Hamidi M. Demographic characteristics of women faced with domestic violence during pregnancy. Journal of Hamadan University of Medical Sciences.2008;16(2):5-18. [Persian].
- 31- mohamadian A Examine the relationship between emotional intelligence and social intelligence. Proceedings of the Second International Congress of Iranian Psychological Association. Tehran: Tehran University Press.[Persian].
- 32-M.Orchowski L, Gidycz CH. To whom do college women confide following sexual assault? A prospective study of predictors of sexual assault disclosure and social reactions. Violence against women. 2012; 18(3): 264-288.

Comparison of Emotional and Social Intelligence of Normal Women and Women Victims of Domestic Violence

Ali Khaleghkhah*- Roghaye Zare**†- Hossein Ghamari Givi***-Behzad Valizadeh****

*PhD in Philosophy of Education, Assistant Professor of Mohaghegh Ardabili University

**MSc in Rehabilitation Counseling, Mohaghegh Ardabili University

***PhD in Psychology, Associate Professor of Mohaghegh Ardabili University

****MD, Forensic Medicine Specialist, Legal Medicine Research Center, Legal Medicine Organization of Iran

Abstract

Background: Violence against women has very bad persistent effects on victims, therefore recognizing of risk factors is very important. This study was carried out to compare emotional and social intelligence of normal and victims of violence women.

Methods: The present study was based on a causal-comparative of cross-sectional. Statistical society of this research included victims of violence women in Ardabil city that had gone to forensic medicine and judiciary and police force of state during 2013. Among these women, 30 that were willing to cooperate, were considered as the sample. Also 30 individuals were selected by sampling method of ordinary women in Ardabil. Tools for data collection were considered Tromso Social Intelligence Scale to assess social intelligence, and petrides and Furnhams Emotional Intelligence Scale for measuring emotional intelligence of samples. To analysis of data, descriptive statistics (Average, Standard deviation) and Multivariate Analysis of Variance test (manova) were used.

Findings: The results showed that there was a significant difference among women who were victims of domestic violence, in terms of emotional intelligence, but no differences were observed in terms of social intelligence.

Conclusion: This study shows that high emotional intelligence not only prevents and social violence, but also their high position, cause right behaviors in time of violent. Therefore, it seems that training and strengthening of emotional and social intelligence can have a preventively effects on rate of violence against women.

Keywords: Emotional Intelligence, Social Intelligence, Women, Domestic Violence

Received: 1 June 2014

Accepted: 17 Dec 2014

†Correspondence: Department of Education &

Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran

Tel: 0451-5516686

Email: roghayezare@ymail.com